

## واکاوی نقشی رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون

### در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی در کتاب «تجارت مکه و ظهور اسلام»

سیداحمد رضا خضری / استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران

maede.bayram@gmail.com

مآئده بایرام / کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی

دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵

#### چکیده

پاتریشیا کرون، پژوهشگر دانمارکی قرن بیست و یکم، از سران جریان شکاکیت در سیره‌پژوهی غرب از برجسته‌ترین آثار شکاکانه‌اش کتاب «تجارت مکه و ظهور اسلام» است. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای این کتاب، نقش رویکرد شکاکانه کرون در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی و نقاط قوت و ضعف آن را بررسی نماید. دستاورد تحقیق نشان می‌دهد دیدگاه‌های کرون صرفاً به سبب نگاه شکاکانه‌اش به منابع اسلامی بوده است. وی منابع اسلامی مرتبط با تاریخ صدر اسلام را فاقد اعتبار تاریخی دانسته و شناخت تاریخی از این دوره را تنها از طریق شواهد مادی و متون تاریخی غیر اسلامی امکان‌پذیر دانسته است. روش‌شناسی کرون از خاستگاه فلسفه تاریخ وی متأثر بوده و پست‌مدرنیسم بر وی تأثیر فراوان داشته است. در نقد دیدگاه کرون، ضمن رد دلایل وی مبنی بر عدم وثاقت منابع اسلامی، مشکلات اتکای صرف بر شواهد مادی و متون غیر اسلامی بیان شده و روشن گردیده که آنها تنها مکمل منابع اسلامی‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** پاتریشیا کرون، تجارت مکه، شکاکیت، شرق‌شناسی، سیره‌پژوهی، منابع اسلامی.

پاتریشیا کرون در سال ۱۹۴۵ در دانمارک متولد شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته تاریخ در دانشگاه «کپنهاگ» آغاز کرد و سپس برای تکمیل آن، راهی دانشگاه لندن شد. او ابتدا در «کینگز کالج» و سپس در «مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی» به تحصیلات خود ادامه داد. در سال ۱۹۷۴ از رساله دکتری خود دفاع کرد که به تحقیق در باب «موالی» اختصاص داشت. پس از آن، در کنار تحقیق و پژوهش، به تدریس و راهنمایی دانشجویان در دانشگاه‌های «لندن»، «آکسفورد» و «کمبریج» پرداخت. او در سال ۱۹۹۷ به بعد به عنوان استاد مطالعات اسلامی در «مؤسسه تحقیقات عالی پرینستون» در کشور آمریکا به پژوهش و تحقیق اشتغال ورزید. حوزه اصلی مطالعات وی شامل خاور نزدیک از عصر باستان تا حمله مغول بود. کرون در ۱۱ جولای ۲۰۱۵م در اثر بیماری سرطان درگذشت.<sup>۱</sup>

کرون از سران جریان شکاکیت در سیره پژوهی غرب است. روینسون درباره رویکرد کرون می‌نویسد: در حال حاضر، جهان ارتباطات و فناوری دیجیتال یک حوزه عمومی تقریباً نامحدود را برای بحث علمی و فرهنگی ایجاد کرده است. سؤالاتی پیش می‌آید؛ مثلاً، اگر سنت‌های مذهبی و فرهنگی و حقوقی غربی‌ها در برابر اثرات مهاجرت مسلمانان قادر به مقاومت نباشند، چه بر سر غرب خواهد آمد؟ روش کرون پاسخی برای این سؤال و دیگر سؤال‌های اینچنینی است. بنابراین، مهم و مهم‌تر بودن تاریخ اسلام کمتر شگفت‌آور خواهد بود.<sup>۲</sup>

رویکرد شکاکیت افراطی بکلی ارزش میراث تاریخی و حدیث اسلامی در مطالعات صدر اسلام را نفی کرده و موجب دغدغه اسلام‌پژوهان درباره وثاقت منابع صدر اسلام گردیده است. در مقابل، مستشرقان و محققان مسلمان در مقالات و کتاب‌های خود، نقدهایی بر این رویکرد وارد کرده‌اند که متأسفانه نمود این‌گونه پژوهش‌ها در کشور ما ناچیز است. از آنجاکه یکی از برجسته‌ترین آثار شکاکانه کرون کتاب **تجارت مکه و ظهور اسلام**<sup>۳</sup> است، این پژوهش کوشیده تا رویکرد کرون در این کتاب را نقد و بررسی کند. سؤال اصلی پژوهش حاضر نقش رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی در این کتاب و نقاط قوت و ضعف آن است.

باید اشاره کرد که از جمله تحقیقاتی که به صورت مستقل درباره کتاب **تجارت مکه** انجام شده، مقالات **تجارت مکه و ظهور اسلام پاتریشیا کرون**، اثر پتری، کندلی، و شیک است.<sup>۴</sup> در این مقاله‌ها به توصیف کتاب و بررسی نظرات کرون به صورت کلی بسنده شده است. مقاله «تجارت مکه و ظهور اسلام: تصور غلط و جدل‌های

۱. کریستین فرارا، پاتریشیا کرون، ۱۹۴۵-۲۰۱۵.

۲. جیس اف روینسون، پاتریشیا کرون و پایان شرق‌شناسی، ص ۱۵.

۳. پاتریشیا کرون، تجارت مکه و ظهور اسلام.

۴. کارل اف. پتری، «بررسی کتاب تجارت مکه و ظهور اسلام پاتریشیا کرون»، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ هیو کندلی، «بررسی کتاب تجارت مکه و ظهور اسلام پاتریشیا کرون»؛ رابرت شیک، «بررسی کتاب تجارت مکه و ظهور اسلام پاتریشیا کرون».

معیوب»<sup>۱</sup>، از سرجنت، نقدی بر کتاب *تجارت مکه* کرون است. در واقع، این مقاله شانزده صفحه‌ای پاسخ سرجنت بر نقدهای کرون است. کرون در خلال بحث خود از تجارت مکه، نظرات سرجنت در کتاب *سعیدیان حزموت* و مقاله‌های هود و دیگر پیامبران پیش از اسلام حزموت و حرم و محیط اطرافش در شبه جزیره عربستان را نقد کرده است.<sup>۲</sup> بنابراین، با وجود ارزشمندی این نقد، مباحث کرون به طور جامع بررسی نگردیده و به مسائل حاشیه‌ای بیشتر پرداخته شده است. با وجود این، بحث مختصر وی درباره روش‌شناسی کرون ارزشمند است. همچنین کرون در مقاله «روش‌ها و مناقشات سرجنت و تجارت مکه»<sup>۳</sup>، به نقد سرجنت پاسخ داده و بار دیگر بر دیدگاه‌های خود تأکید کرده است.

کتاب *تجارت مکه و ظهور اسلام پاتریشیا کرون* را *آمال محمد روبی* با عنوان *تجارة مكة و ظهور الإسلام* در سال ۲۰۰۵م به عربی ترجمه کرد. در پاورقی‌ها، مترجم نقدهایی بر کرون ذکر کرده است. بعدها وی نقدها را به زبان عربی با عنوان *الرد علی کتاب پاتریشیا کرون: تجارة مكة و ظهور اسلام* و انگلیسی با عنوان *A Response to Patricia Crone's Book: Meccan Trade and the Rise of Islam* تهیه کرده بود که البته در هیچ انتشاراتی به چاپ نرسید و در اینترنت قابل دسترسی است. روبی سعی کرده مطالبی را که مخالف نظرات مسلمانان است نقد کند. وی نقدی درباره رویکرد کرون نداشت. از سوی دیگر، دیدگاه‌های کاملی از کرون بیان نکرده و تنها قسمت‌های از کار کرون را به نقد کشیده است. به عبارت دیگر، بیان منسجمی از دیدگاه‌های وی و نقد درخوری توسط وی صورت نگرفته و مسائل فرعی پررنگ شده و به مسائل اصلی کمتر توجه شده است. مقاله «تجارت مکه و تفسیر قرآن (بقره: ۱۹۸)»، از *اوری روبین*، به نقد دیدگاه کرون درباره عدم ارتباط حج و تجارت پیش از اسلام پرداخته که مقاله ارزشمندی است. با این حال، وی رویکرد کرون و نقد آن را نیاورده است.<sup>۴</sup>

### دیدگاه‌های کرون درباره تجارت مکه

کرون نخست به مسئله موقعیت جغرافیای مکه پرداخته و اظهار داشته است: مکان جغرافیایی مکه در صدر اسلام، با شهری که امروزه به عنوان «مکه» می‌شناسیم، متفاوت است.<sup>۵</sup> وی بیان می‌دارد: تاریخ صدر اسلام در مکانی در شمال غربی شبه جزیره عربستان رخ داده و ظاهراً در مجاورت بقایای قوم لوط در بلقاع شام قرار داشته است.<sup>۶</sup> دیدگاه‌های وی درباره تجارت خارجی مکیان شامل بررسی نوع کالاهای تجاری و ارتباطات تجاری با کشورهای خارجی است. کرون

۱. ا. بی سرجنت، «تجارت مکه و ظهور اسلام: تصورات غلط و گمراه‌کننده».

۲. بی سرجنت، سعیدیان حزموت؛ هود و دیگر پیامبران پیش از اسلام حزموت؛ «حرم و محیط اطرافش در شبه جزیره عربستان».

۳. پاتریشیا کرون، «روش‌ها و مناقشات سرجنت و تجارت مکه».

۴. اوری روبین، تجارت مکه و تفسیر قرآن (بقره: ۱۹۸).

۵. پاتریشیا کرون، تجارت مکه و ظهور اسلام، ص ۹۱، ۱۶۱، ۱۹۷-۱۹۸.

۶. همان، ص ۲۰۴.

صادرات ادویه عربی و هندی مکیان و کالاهای خارجی همچون صادرات عاج، طلا، برده و حریر مکیان را رد کرده و تمام کالاهایی را که در منابع مرتبط با تجارت مکه‌اند، کالاهای عربی دانسته است. وی اذعان می‌دارد که تجارت نقره، طلا و عطریات مکیان در منابع اسلامی به صراحت ذکر شده و تجارت این کالاها موجب شکوفایی تجارت مکه شده بود؛ زیرا گران بود و در حجم گسترده صادر می‌شد. اما این نکته منابع صحیح نیست و مکیان به هیچ‌وجه نمی‌توانند بگویند صادرات طلا و نقره داشتند. به طور خلاصه، وی کالاهای تجاری مکیان را عطریات یمنی، چرم، لباس و همچنین احتمالاً شتر و الاغ و میزانی کره تصفیه‌شده و پنیر فصلی دانسته است. وی نتیجه می‌گیرد: اگر تصویر عمومی شکل گرفته توسط روایات را بپذیریم، شکی نیست که ما باید به تجدیدنظر درباره آنچه منابع می‌گویند، عادت کنیم.<sup>۱</sup>

کرون در ادامه، به بحث درباره ارتباطات تجاری قریش با کشورهای خارجی می‌پردازد. وی اقرار می‌کند که منابع اسلامی عموماً از فعالیت آنان در چهار منطقه سوریه، یمن، حبشه و عراق خبر می‌دهند که تمام این چهار منطقه از سوی یک شبکه تجاری به هم متصل می‌شدند. وی در ادامه، بیان می‌دارد که این گزارشی مؤثر و شگفت‌آور است که تمام محققان جدید به پذیرش آن، خواه به شکل کامل یا بخشی از آن علاقه داشته‌اند. اما بسیاری از مطالب تجارت می‌تواند افسانه باشد. وی بیان داشته است که اگر روایات متواتر اسلامی را صحیح بدانیم و بپذیریم که مکیان در شرف ظهور اسلام تجارت خارجی داشته‌اند، آنچه من انجام خواهد داد، که یکی از دغدغه‌های من است، میزان قابل دفاع بودن گزارش‌های استاندارد از تجارت مکه است در شرایطی که هیچ شاهدهی برای این روایات وجود ندارد.<sup>۲</sup>

وی می‌گوید: برای حل این مسئله، به سراغ منابع غیراسلامی می‌رویم، اما آنها در این باره مطلب خاصی ندارند و نمی‌توانند کمک کنند. تنها پسیده سیبوس و یعقوب الایدیسه بیان کرده‌اند که محمد [ﷺ] یک تاجر بود. اما این موضوع را که قریش تاجر بودند و یا محمد [ﷺ] یکی از آنان بوده، بیان نکرده‌اند.

کرون پس از بررسی روایات اسلامی و میزان قابل دفاع بودن آنها، بدین نتیجه رسیده که تجارت مکه تجارتی محلی بوده است. وی در بحث از تجارت داخلی نیز دو سؤال مطرح نموده است: آیا مکه تجارت داخلی شکوفا داشته است؟ و آیا قریش بر مبادله کالا در بازارهای حج سیطره داشته است؟ پس از بحث مفصل، در نهایت، در پاسخ به دو سؤال بیان داشته است که حج در خارج از مکه بوده و بازارهای عکاظ، ذی مجاز و مجنه بازارهای مکه نبودند، بلکه بازارهای قریش و اعراب بودند و قریش سیطره‌ای بر آن نداشتند و در نتیجه، مکیان نقش بزرگی در تجارت داخلی شبه‌جزیره عربستان نیز نداشتند.<sup>۳</sup> کرون پس از رد تجارت پررونق قریش و محدود دانستن آن، دیدگاه مونتگمری وات مبنی بر نقش تجارت در ظهور اسلام را رد کرده است.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۸۷-۱۰۸.

۲. همان، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۳. همان، ص ۱۶۸-۱۹۹.

۴. همان، ص ۲۳۱-۲۴۱.

## روش‌شناسی تاریخی کرون

کرون معتقد است: اگر منابع خارج از روایات اسلامی را کنار بگذاریم، قسمت عمده دانش ما درباره ظهور اسلام از قرآن و حدیث گرفته شده است.<sup>۱</sup> وی درباره روایات تفسیری می‌گوید: «قرآن معلومات تاریخی فراوانی به ما ارائه نمی‌دهد. آنچه را هم ارائه داده، پیچیده و تلمیحی است و بدون کمک تفسیر، نمی‌توان به حوادث تاریخی، که آیات بدان اشاره دارند، پی برد. مفسران نیز هریک شرحی از آیات ارائه داده‌اند. معمولاً توجه نمی‌شود که بیشتر اطلاعات تاریخی از ظهور اسلام و به‌ویژه تجارت مکه از تفاسیر قرآن گرفته شده است. چنین اطلاعات پذیرفته‌شده‌ای به لحاظ ارزش تاریخی مشکوک نیستند، بلکه اصلاً ارزش تاریخی ندارند».<sup>۲</sup>

وی پس از اشاره به روایات تفسیری متفاوت درباره سوره «قریش» نتیجه می‌گیرد که تفاسیر متفاوت‌اند و برای ما ممکن نیست بگوییم که قرآن بر کدام تفسیر تأکید دارد. بنابراین، باید تمام این تفاسیر را کنار بگذاریم. در ادامه، نتیجه می‌گیرد: اشاره تلمیحی در شیوه قرآن، محصور به سوره قریش نیست و بسیاری از اخبار تاریخی منتسب، چیزی جز تفصیلات وهمی درباره تفسیر برخی از آیات دشوار قرآن نیست.<sup>۳</sup>

کرون در ادامه، بیان می‌دارد: علی‌رغم اینکه اکثر روایات به روایت مفسران برمی‌گردد، ولی ما مجموعه خوبی نیز از داستان‌های تاریخی داریم که بخش بزرگ آن عاری از تفسیر، عقیده و وحی است؛ اما آنها نیز به لحاظ تاریخی کم‌ارزش‌اند. این روایات نیز مانند روایات مفسران، ساخته روایان داستان‌هایند. به خاطر ویژگی نقل شفاهی، معلومات صحیح تاریخی روایات اندک است و روایان داستان‌ها نقش بزرگی در روایت حدیث داشته‌اند. نقش آنان در سه جنبه اساسی آشکار است:

نخست. روایان معلومات متعارضی ارائه داده‌اند.

دوم. روایان به بیان گزارش‌های مستقل از یکدیگر تمایل داشتند و این موجب پدید آمدن روایاتی شد که با وجود تفاوت‌ها، موضوع مشترکی دارند. به عبارت دیگر، با وجود آنکه یک راوی برای مستقل کردن روایاتش از سایر روایان تغییراتی در آن ایجاد کرده است، اما تمام این روایات قالبی مشترک دارند. برای مثال، روایت‌های مختلف درباره یک حادثه واحد.

سوم. زیادت در معلومات است. این از حجم کارهای ابن اسحاق و واقدی واضح است.<sup>۴</sup>

کرون در پایان نتیجه می‌گیرد که دانشجویان باید از گرایش‌های مورخان سابق و منابعشان آگاه باشند و در حد امکان، پژوهش‌های خود را بر مبنای داده‌های بدون تعصب انجام دهند. مشکل در اصل روایات است، نه در برخی تحریف‌ها که بعدها در آنها وارد شده است. تحریف‌ها توسط متعصبان دین اسلام، کسانی که بر منطقه خاص، قبیله

۱. همان، ص ۲۰۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۰۴-۲۱۵.

۴. همان، ص ۲۱۵-۲۲۸.

یا مکتب خاص تعصب داشته‌اند، نبوده است، بلکه تمام روایات دارای گرایش‌اند و هدف کلی روایات بسط تاریخ نجات عربی<sup>۱</sup> است. بنابراین، صرفاً برخی جملات توسط متعصبان تحریف نشده‌اند که ما بتوانیم آنها را حذف کنیم، بلکه تمام آنها دارای گرایش‌اند.<sup>۲</sup>

کرون در سازمان‌دهی درست تاریخ، نخست بر استفاده از شواهد مادی و سپس استفاده از متون غیراسلامی تأکید دارد. وی در وهله اول، دستیابی به اطلاعات تاریخی را با کمک شواهد مادی، یعنی کتیبه‌شناسی<sup>۳</sup>، سکه‌شناسی<sup>۴</sup>، به‌ویژه باستان‌شناسی<sup>۵</sup> امکان‌پذیر می‌داند.<sup>۶</sup> سپس معتقد است: بدون کمک اشعار، اطلاعات کمکی از تواریخ غیر اسلامی و به‌ویژه تواریخ ساسانی، امید کمی برای بازسازی شکل اصلی تاریخ صدر اسلام وجود خواهد داشت.<sup>۷</sup>

نکته قابل تذکر درباره اصطلاح «تاریخ نجات» در نظر کرون این است که پژوهش در تاریخ و سیره پیامبر اکرم ﷺ در غرب، مسبوق به پیشینه‌ای بلند از تحقیقات تاریخی درباره زندگی دو پیامبر بزرگ حضرت موسی ﷺ و حضرت عیسی ﷺ است. از نظر محققان یهودیت و مسیحیت، تاریخ این ادیان و به‌ویژه کتاب آسمانی آنها، بیان‌کننده تاریخی صرف- آن‌گونه که مورخان سکولار درصدد ثبتش هستند- نیست، بلکه این متون بیشتر درصدد بیان نقش نجات‌بخش خداوند در حوادث تاریخ است. برای مثال، در تاریخ یهود و سرگذشت بنی‌اسرائیل در تمام مراحل آن، عرصه حضور خداوند در تاریخ و نجات این قوم در سخت‌ترین شرایط است. «تاریخ نجات» روایتی تاریخی از حوادث ثبت‌شده برای بررسی مورخان نیست. تاریخ نجات اتفاق نیفتاده است.<sup>۸</sup> بدین‌رو، این اصطلاح از این مطالعات به مطالعات سیره پیامبر اکرم ﷺ در غرب وارد شد. بنابراین، باید توجه شود که در نظر و بیان کرون، واژه «نجات» در اصطلاح «تاریخ نجات»، ضرورتاً بار معنایی مسیحی و یهودی ندارد، بلکه این واژه را در سطحی دیگر می‌توان صرفاً اصطلاحی فنی درباره آثاری دانست که به ارائه سند برای آنچه می‌توان صرفاً تاریخ مقدس، یعنی ارتباط انسان با خدا خواند، ملتزم‌اند.

## نقد روش‌شناسی تاریخی کرون

در نقد روش‌شناسی کرون شش نقد قابل ذکر است:

۱. Heilsgeschichte.

۲. همان، ص ۲۳۰.

۳. Epigraphy.

۴. Numismatics.

۵. Archaeologist

۶. همان.

۷. همان.

۸. اندرو ریپین، تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره در روش‌شناسی جان ونزبر، ص ۱۹۲.

## ۱. رد استدلال سکوت

به نظر کرون، برای بازسازی تاریخ صدر اسلام، باید از شواهد مادی و متون غیراسلامی استفاده کرد و دیدگاهی که صرفاً مبتنی بر مکتوبات مسلمانان بوده و شواهدی خارجی مؤید آن نباشد، دلیلی علیه تاریخی بودن آن گزارش خواهد بود.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، با فقدان شواهد خارجی برای یک پدیده تاریخی گزارش شده در منابع اسلامی، گزارش این منابع را رد کرده و این منابع را بی اعتبار دانسته و بیان کرده که اصلاً چنین واقعه‌ای روی نداده است و به تعبیر ساده‌تر، نیافتیم، پس نبوده است. این استدلال کرون به «استدلال سکوت»<sup>۲</sup> بازمی‌گردد که سرچنت بدان اشاره کرده است.<sup>۳</sup> «استدلال سکوت» در منطق قیاسی، ذیل «مغالطات» طبقه‌بندی می‌شود.<sup>۴</sup> بنابراین، فقدان شواهد خارجی، منابع اسلامی را بی اعتبار نساخته و پیامد مهمی به دنبال ندارد؛ زیرا اصلاً نیازی به تأیید نیست. این مهم‌ترین نقد وارد بر کرون است.

## ۲. عدم امکان توطئه در سنت اسلامی

کرون توجه ندارد که امکان وجود توطئه‌ای بدین بزرگی در صدر اسلام وجود ندارد. دو دلیل برای این مطلب قابل ذکر است:

نخست. کرون از شناسایی گروه یا گروه‌های سیاسی - کلامی خاص و مشخص، که روند جعل و تحریف را به آنها نسبت می‌دهد، ناتوان است. بنابراین، چگونه می‌توان بر تحریف اصرار ورزید؟ او از تشخیص هویت فکری یا تمایلات سیاسی جاعلان ناتوان است.<sup>۵</sup>

دوم. با توجه به تأکید بر گروهی بی‌نام و نشان، که به تحریف همه‌جانبه سنت اسلامی پرداخته‌اند، سؤالی که پیش می‌آید این است که کدام منبع و قدرت غیرقابل مشاهده‌ای در حیطه گسترده تمدن اسلامی در قرون سوم و چهارم هجری - از هند تا اندلس - توانایی اعمال این تغییرات گسترده را داشته است؟<sup>۶</sup> بنابراین، باید نگاهی توطئه‌آمیز نسبت به سنت اسلامی داشته باشیم، مبنی بر اینکه همه عالمان مسلمان در این توطئه دست داشته‌اند تا سیر واقعی حوادث را پنهان دارند. ممکن است در دوره‌هایی دیدگاهی به علل دینی، سیاسی یا اجتماعی رواج یافته و در نتیجه، عموم مردم آن را پذیرفته باشند؛ اما نکته اینجاست که اگر یک تفسیر یا رأی خاص غلبه یابد، قطعاً مخالفانی هم دارد و ممکن نیست سنت به گونه‌ای سامان یابد که همه دیدگاه‌های مخالف در آن سرکوب شوند.<sup>۷</sup>

۱. پاتریشیا کرون، تجارت مکه و ظهور اسلام، ص ۲۳۰.

۲. argument from silence.

۳. ار. بی. سرچنت، «تجارت مکه و ظهور اسلام: تصورات غلط و همراه‌کننده»، ص ۴۷۲.

۴. ن. ک. هارالد مونتسکی، «ریزیایی تاریخ‌گذاری روایات اسلامی»، ص ۲۱۵-۲۱۶، ۲۲۹-۲۳۰.

۵. فرد دونر، «حکایت منابع اسلامی»، ص ۲۵-۳۱.

۶. همان.

۷. سیدعلی آقایی، «مروری بر رهیافت‌های محققان غربی»، ص ۲۸.

### ۳. تمییز شواهد تاریخی از داده‌های تاریخی

کرون روایات تفسیری را به خاطر تفاوت در نقل، ساخته مفسران، و روایات داستان‌های تاریخی را به سبب تعارض در نقل و روایت‌های مختلف درباره یک موضوع واحد را زیادت در روایت ساخته روایان داستان‌ها می‌داند. این در صورتی است که تاریخ‌نگاران نمی‌توانند روش مشاهده مستقیم را درباره رخداد‌های بسیار قدیمی به کار ببرند، یا رخدادها را به نحو دلخواه تکرار کنند. بنابراین، باید به داده‌ها و گزارش‌های شاهدان پیشین اکتفا کنند و با نقد علمی، داده‌های درست را از نادرست تشخیص دهند. در تحقیق تاریخی، داده‌های صحیح و قابل استناد را «شواهد تاریخی» می‌نامند؛ یعنی مجموعه‌ای از اطلاعات و حقایق مستند که به‌عنوان اطلاعات صحیح و پایه‌های آزمون و تفسیر و تعبیر فرضیه به کار می‌روند. شواهد تاریخی را بر اساس نقد بیرونی و درونی، می‌توان از داده‌های تاریخی تمییز داد. در نقد بیرونی یا ظاهری، مورخ می‌کوشد صحت سند تاریخی را اثبات و نوع خط، کاغذ، مؤلف، زمان تدوین و مکان آن را تعیین کند. پس از نقد بیرونی، مرحله نقد درونی قرار دارد. نقد درونی خود را درگیر مضامین و مطالب می‌کند و اعتبار مضامین را بررسی می‌نماید. با روش نقد بیرونی و درونی، می‌توان از میان داده‌های تاریخی، از جمله روایات متفاوت، روایات متعارض، روایات مختلف درباره یک موضوع، و زیادت در روایات، به «شواهد تاریخی» رسید.<sup>۱</sup>

*اوری روبین* ادعای کرون مبنی بر تفاوت روایات تفسیری و در نتیجه، فقدان ارزش تاریخی آنها را به صورت موردی با بررسی روایات تفسیری آیه ۱۹۸ سوره بقره رد کرده است. کرون در بحث از حج و بازارهای مکه، به تفاسیر متضاد درباره آیه ۱۹۸ بقره اشاره کرده و *اوری روبین* در مقاله‌اش، با بررسی روایات تفسیری این آیه نشان داده که گرچه دیدگاه‌های تفسیری‌شان متفاوت است، اما اطلاعات تاریخی نهفته در آنها یکسان است.<sup>۲</sup> کرون شماره آیه «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ اذْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ» را به اشتباه، ۱۹۴ سوره بقره ذکر نموده، در صورتی که آیه ۱۹۸ سوره بقره صحیح است. وی در این باره می‌نویسد: ارتباط حج و بازارهای مکه قبل از اسلام به *ابن کلبی* و بخش خاصی از آن نیز به تفسیر، و در واقع، اولین مفسران سوره بقره، آیه ۱۹۴ برمی‌گردد؛ اما مفسران بعدی دو تفسیر متفاوت ارائه دادند: برخی ذکر کردند که اعراب قبل اسلام در زمان حج در حال احرام به تجارت نمی‌پرداختند. بنابراین، تجارتی در مکه و عرفه وجود نداشته است، تا اینکه این آیه نازل شد و تجارت در مکه در زمان حج آغاز گردید. برخی دیگر به تجارت مشرکان در زمان حج، در مکه، منا و عرفه اشاره نموده و بیان داشته‌اند: این مسلمانان بودند که احساس کردند جمع بین حج و تجارت کار اشتباهی است. مسلمانان برخلاف مشرکان، مکان‌های حج، مکه، منا و عرفه را مناسب تجارت ندانستند و تجارت را به بازارهای «عکاظ»، «ذی‌المجاز»، و «ذی‌المجنه»

۱. صادق آینه‌نوند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص ۴۸۷-۴۹۱؛ علیرضا ملائی توانی، درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، ص ۱۴۱-۱۴۶.

۲. *اوری روبین*، «تجارت مکه و تفسیر قرآن (بقره: ۱۹۸)»، ص ۴۲۷.



محدود کردند. تا اینکه آیه «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» نازل شد و مسلمانان در مکه به هنگام حج نیز به تجارت پرداختند.<sup>۱</sup>

لوری روبین در نقد کرون بیان داشته که روایات دربارهٔ سورهٔ بقره، آیه ۱۹۸- اسباب نزول- بیانگر ارتباط حج و تجارت پیش از اسلام است. این روایات به دو دستهٔ اصلی تقسیم می‌شوند:

نوع (الف) بیانگر این مطلب است که اعراب پیش از اسلام حج و تجارت مشترک نداشتند.

نوع (ب) بیانگر این مطلب است که پیش از اسلام، حج و تجارت مشترک بود.

در نظر اول، این دو نوع متناقض‌اند، اما بررسی بیشتر نشان می‌دهد که هر دو دریافتی برابر دارند.<sup>۲</sup> تفاوت اصلی در دیدگاه‌های تفسیری منعکس شده در نوع (الف) و (ب)، در نگرش نسبت به سنت جاهلی است؛ زیرا مسلمانان در نوع اول (الف)، نمونهٔ جاهلی را مطلوب ندانستند. در نوع دوم (ب)، آن را الگویی شایستهٔ پیروی انگاشتند. این در حالی است که در نوع اول، که روایانش بیشتر عراقی‌اند، بر اختلاف اسلام با جاهلیت تأکید شده است. بنابراین، آنان در اثر این نگرش، روایات جاهلی دربارهٔ ارتباط حج جاهلی و تجارت را رد کرده و حج و تجارت را پیش از اسلام مجزا دانسته‌اند و با ظهور اسلام، اجازهٔ تجارت در حج داده شد. در نوع دوم (ب)، که روایانش بیشتر حجازی‌اند، ریشه‌های عربی اسلام پررنگ شده است. بنابراین، آنان در اثر این نگرش، روایات جاهلی دربارهٔ ارتباط حج جاهلی و تجارت را پذیرفته و حج و تجارت را پیش از اسلام مشترک دانسته‌اند. در جدول ذیل، ویژگی‌های آنها بیان شده است:

نوع اول	نوع دوم	وضع تجارت و حج پیش از اسلام
مجزا (حج خفت‌آور)	مشترک (حج تحسین شده)	
تصدیق نشده	تصدیق شده	سنت جاهلی
اکثراً عراقی	اکثراً حجازی	اسناد

از بررسی روایات، روشن می‌شود که اعراب پیش از اسلام در منا، عرفه، و بازارهای «ذی المجاز» و مقام‌های حج، خرید و فروش می‌کردند؛ اما با آمدن اسلام، مسلمانان از تجارت در حال احرام ترسان شدند و جمع بین حج و تجارت را نادرست دانستند، تا اینکه آیهٔ ۱۹۸ سورهٔ بقره نازل شد و مسلمانان در هنگام حج نیز به تجارت پرداختند.<sup>۳</sup> بدین‌سان، ادعای کرون مبنی بر عدم ارزش تاریخی روایات رد می‌شود.

#### ۴. محدود شدن به دیدگاه‌های شخصی

کسی که تنها منابع اسلامی باقی‌مانده را به سبب غیرتاریخی بودن رد کند خود را به خیالات شخصی وهمی‌اش دربارهٔ پیامبر ﷺ محدود خواهد کرد. اینها حقایق تاریخی نیست و صرفاً خیالاتی از نویسنده است که بی‌پروا سعی کرده آنها را برای ما به جای شواهد جا زند. به‌طور خلاصه، کرون قسمت عمده‌ای از منابعی

۱. پاتریشیا کرون، تجارت مکه و ظهور اسلام، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۲. لوری روبین، «تجارت مکه و تفسیر قرآن (بقره: ۱۹۸)»، ص ۴۲۳.

۳. همان، ص ۴۲۶.

را که مطابق تصورات شخصی‌اش از تاریخ صدر اسلام نبوده، رد کرده و به جای آن، حقایق جدیدی ساخته است. به عبارت دیگر، او برای ما نسخه پیچیده و با هنر ویرانگری‌اش، چیز بی‌ارزشی خلق کرده است. این روش درست تاریخی نیست.<sup>۱</sup> برای مثال، وی اظهار می‌دارد مکان جغرافیایی مکه در صدر اسلام، از شهری که امروزه به‌عنوان «مکه» می‌شناسیم، متفاوت بوده<sup>۲</sup> و ظاهراً در مجاورت بقایای قوم لوط در بلقاع شام قرار داشته است.<sup>۳</sup> چطور او بدون مراجعه به منابع عربی، این مطالب فریبنده را دربارهٔ پیامبر و عصرش اظهار می‌دارد؟ مطمئناً این نظرها بر پایهٔ چند منبع به زبان سریانی و آرامی نیست، درحالی‌که آنها به‌ندرت دربارهٔ پیامبر ﷺ مطلبی ذکر کرده‌اند و به ما ایدهٔ واضحی از او نمی‌دهند.

کرون از «برهان خلف» استفاده کرده است. بنابراین، موضع این محقق نتایج نهایی پژوهش‌های او را تعیین کرده است و اغلب در استدلال‌هایش موجب «دور» می‌شود.<sup>۴</sup> منابع اسلامی مفیدند و ما نباید هرگز به روش‌های متفاوتی که ما را به سمت نهیلیسم تاریخی سوق می‌دهند اعتقاد داشته باشیم؛ زیرا این روش‌ها ذاتاً بی‌حاصل‌اند.<sup>۵</sup> از سوی دیگر، کار کرون پر از تعمیم‌ها، فرضیات سهل‌الحصول و اصطلاحات خسته‌کننده است.<sup>۶</sup>

## ۵. مشکلات استفاده از شواهد مادی

کرون توجه ندارد که در استفاده از شواهد مادی، مشکلاتی وجود دارد:

نخست. آنچه کشف شده یا بر جای مانده همواره -کم یا زیاد- اتفاقی است و تنها قسمتی از کل است. دوم. هیچ ارتباط علی و معلولی از قبل آماده‌ای - در پیوند این شواهد مادی - وجود ندارد؛ معنایی که در پشت هر قطعه از این معما وجود دارد و ارتباط بین قطعات گوناگون آن باید کشف و یافت شود.<sup>۷</sup> یافته‌های اخیر کتیبه‌شناسی، پاپیروس‌پژوهی و سکه‌شناسی نه تنها نتایج کرون را تأیید نمی‌کنند، بلکه آنها را مردود می‌سازند. برای مثال، می‌توان به نظرهای شوئلر و هولیند در این زمینه اشاره نمود. شوئلر در مقدمهٔ کتابش با کاربرد یافته‌های اخیر کتیبه‌شناسی، پاپیروس‌پژوهی و سکه‌شناسی به ادعاهای شکاکان پاسخ می‌دهد.<sup>۸</sup> نقد مهم دیگری در این زمینه توسط هولیند از شاگردان کرون و از سرآمدان نظریهٔ کاربرد «منابع غیراسلامی در مطالعات

۱. فرد دونر، «بررسی کتاب بردگان سوار بر اسب‌ها پاتریشیا کرون»، ص ۳۷۱.

۲. پاتریشیا کرون، تجارت مکه و ظهور اسلام، ص ۹۱، ۱۶۱، ۱۹۷-۱۹۸.

۳. همان، ص ۲۰۴.

۴. هربرت برگ، تکوین و تکامل تفسیر در نخستین سده‌های اسلامی، ص ۵۸.

۵. هیو کندی، «بررسی تجارت مکه و ظهور اسلام پاتریشیا کرون»، ص ۵۵.

۶. مایکل جی مورونی، «هاجریسیم، ساخت جهان اسلام»، ص ۱۵۹.

۷. جی کورن و وای.دی. نوو، «رویکردهای روش‌شناختی در غرب به مطالعات اسلامی»، ص ۳۲.

۸. گرگور شوئلر، زندگی‌نامهٔ محمد، وثاقت و اعتبار، ص ۱۴-۱۵.

صدر اسلام» بر او وارد شده است. هویلند نشان داده که کاربرد منابع غیراسلامی نه تنها با منابع اسلامی در تناقض نیست، بلکه با آنها تناسب دارد و به نوعی مکمل آنها محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۶. مشکلات استفاده از متون غیراسلامی

در نقد کرون باید گفت: دانش ناظران بیرونی نمی‌تواند از تازه‌واردان به دین بیشتر باشد. فان/اس دربارهٔ این مسئله می‌گوید: «نمی‌توان پافشاری کرد که ناظر بیرونی دارای تصور روشن‌تری از آنچه واقعاً اتفاق افتاده، باشد، بلکه او می‌کوشد تا پدیده‌ها را با معیارهای خودش توصیف کند».<sup>۲</sup> ساده‌تر است که باور کنیم مسلمانان شاهدانی بهتر از نویسندگان مسیحی یا یهودی باشند؛ زیرا اطلاعات آنها کمتر است.<sup>۳</sup>

بنا به نظر موتنگمری وات، منابع قرون میانه نسبت به اسلام تصویری تحریف‌شده ارائه کرده‌اند. بنابراین، چطور منابع سریانی و مانند آن با وجود دشمنی‌شان با اسلام، قابل اعتمادتر از تاریخ‌های عربی به حساب آیند؟<sup>۴</sup> بیشتر منابع غیراسلامی که اطلاعات فراوانی دربارهٔ خاستگاه اسلام دربردارند، نه با وقایع معاصر هستند و نه در آنچه می‌گویند منسجم هستند. علاوه بر این، آنها بیشتر تحت حمایت نیروهای سیاسی و مذهبی تألیف شده‌اند و معلوم نیست این موضوع تا چه حد بر نحوهٔ ترسیم وقایع اسلامی توسط آنان اثرگذار بوده است.<sup>۵</sup> برای مثال، در کتاب پروکوپیوس، مورخ بیزانسی معاند عرب، هیچ اشاره‌ای به وجود تجارت قریش و از آن بالاتر، وجود مکه دیده نمی‌شود. این نشان‌دهندهٔ ناآگاهی این مورخ از مسائل شبه‌جزیرهٔ عربستان در قرن ششم میلادی است.<sup>۶</sup>

## فلسفهٔ اندیشهٔ کرون

از آنجاکه روش‌شناسی کرون از خاستگاه فلسفهٔ تاریخ وی متأثر است، در ادامه پس از مروری بر پست‌مدرنیسم، فلسفهٔ تاریخ کرون بررسی خواهد شد:

### ۱. مروری بر پست‌مدرنیسم

اصطلاح «پست‌مدرنیسم» برای توصیف بعضی از نگرش‌ها در زمینهٔ فلسفه، سیاست، ادبیات، تاریخ و به‌ویژه هنر معماری به کار می‌رود که وجه مشترک همهٔ آنها واکنش نسبت به بحران‌های مدرنیته و نقد نظریه‌های کلان و کلی‌نگری آن است. این اصطلاح ظاهراً اولین بار در سال ۱۹۱۷ توسط فیلسوف آلمانی رودلف پانوتیس برای

۱. رابرت هویلند، اسلام از نگاه دیگران، ص ۵۹۱.

۲. رابرت هویلند، «ارزیابی اولین نوشته‌های مسیحی در مورد محمد»، ص ۲۹۰.

۳. همان.

۴. حسین امین، «مطالعات فی کتب، کتاب الهاجریه»، ص ۲۲۵.

۵. فرد دونر، «حکایت منابع اسلامی»، ص ۲.

۶. فکتور سحاب، ایلاف قریش، رحلة الشتاء والصفی، ص ۴۲۵-۴۲۶.

توصیف «هیچ‌گرایی» فرهنگ غربی قرن بیستم، که مضمونی وام‌گرفته از نیچه بود، به کار رفت. کاربرد این اصطلاح در فلسفه، به دهه ۸۰ برمی‌گردد که اولاً، برای اشاره به فلسفه فرانسوی پساساختارگرایی بود، و ثانیاً، برای دلالت بر واکنشی عمومی علیه عقل‌گرایی نوین، ناکجاآبادگرایی و آنچه «بنیان‌گرایی» نامیده می‌شد.<sup>۱</sup>

هرچند به سختی می‌توان تمام دیدگاه‌های پسامدرنی را در یک چارچوب قرار داد، اما روی‌هم‌رفته، همه به نتیجه واحدی رسیده‌اند: هیچ اصولی نه برای خود آنها و نه برای هیچ‌کس دیگر وجود ندارد.<sup>۲</sup> تاریخ نیز با چالش پست‌مدرنیسم مواجه است. پست‌مدرنیسم در مجموع، بر این باور است که هیچ عین تاریخی وجود ندارد، و هر چه گفته می‌شود فقط از ذهن و مغز افرادی که درباره آن موضوع می‌اندیشند، سخن می‌گوید یا می‌نویسد، تراوش می‌کند. حتی برخی از اندیشمندان پست‌مدرن مانند، میشل فوکو، برچیده شدن بساط ذهن شناسا یا «سوژه» را هم مدعی شده‌اند.<sup>۳</sup>

فوکو، به‌عنوان یک فیلسوف پساساختارگر- پسامدرن با استفاده از روش تبیین علل و عوامل رخدادها در چارچوب شیوه اطلاعات، به‌جای شیوه تولید و بهره‌گیری از روش‌شناسی، تبارشناسی قدرت/دیرین‌شناسی دانش و به‌ویژه با استفاده از نظریه «عدم استمرار در تاریخ» و اعتقاد به غیرقابل تکرار بودن حوادث و وقایع تاریخی و در نظر گرفتن نقشی ویژه برای کارکردهای سوژه، جنسیت، قدرت و دانش، شیوه بدیع و بی‌بدیلی در تاریخ‌نگاری ارائه داده است. از نظر فوکو، «تاریخ همزمان» شکلی از دانش و شکلی از قدرت است.<sup>۴</sup>

شاخه دیگری از پست‌مدرن‌ها توجه خود را به ارتباط بین تاریخ و مسائل زبان و فرهنگ معطوف کردند. برخی این تحول را «چرخش زبانی تاریخ»<sup>۵</sup> می‌نامند. نقطه عطف این تحول انتشار کتاب *هایدن وایت* با عنوان *فرا‌تاریخ* در ۱۹۷۳ است. بنا به نظر طرف‌داران چرخش زبانی، تاریخ گذشته در خطابه‌ها و متن‌های تولیدشده در حال، نشان داده شده است. بنابراین، ادعاهای رایج درباره اعتبار و بی‌اعتباری گزارش‌ها و اسناد بیجاست. چرخش زبانی به این ادعا انجامید که تاریخ چیزی بیش از زبان نیست.

## ۲. کرون و پست‌مدرنیسم

پست‌مدرنیسم در کرون تأثیر فراوانی داشته است. از آنجا که کرون اندیشه خود را از وزیررو وام گرفته است و خود بدان ادعان دارد، در این پژوهش، برای روشن شدن فلسفه اندیشه کرون از سخنرانی *وتزبرو*، در طی آن به فلسفه اندیشه خود اشاره دارد، استفاده شده است. کرون معتقد است:

۱. لارنس کهون، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ص ۳.

۲. کیت جنکینز، بازاندیشی تاریخ، ص ۱۱۲.

۳. همان.

۴. مارک پستر، «نوع جدیدی از تاریخ، میشل فوکو، نظریه عدم استمرار»، ص ۴۵۸.

الف) یک منبع مکتوب - هر منبعی که باشد - نمی‌تواند به ما بگوید که «واقعاً چه روی داده است»، بلکه تنها آن چیزی را بیان می‌کند که مؤلف تصور می‌کند روی داده یا می‌خواسته است بپذیرد که روی داده یا می‌خواسته است دیگران تصور کنند که روی داده است. بنابراین، پیش از آنکه تاریخی باشد و در خارج از مطالعات عربی مربوط به همین مسئله، پیدایش تألیفاتی درباره تاریخ‌گرایی<sup>۱</sup> یک گزارش مکتوب را لحاظ کنیم، باید مشکلات مربوط به گستره دانش مؤلف و انگیزه او را در نظر بگیریم. این موضوع، اصلی‌ترین مشکل در استفاده از متن مکتوب تاریخی است.<sup>۲</sup>

ب) صرفاً یک شاهد «می‌داند» چه می‌نویسد و حتی این آگاهی نیز در معرض تفسیرهای آگاهانه و ناآگاهانه‌ای است که می‌کوشد آن را با اطلاعات پیشین خود سازگار کند. احتمالاً یک وقایع‌نگار همان دوره هم بتواند ارزش یک شاهد عینی تقریبی را داشته باشد. هر شخص دیگری، چه نویسنده باشد یا خواننده، ناچار است بپذیرد که گزارش‌های معاصر واقعیت دارد و در همان جهت هم گزارش‌های بعدی مبتنی بر آنها نیز واقعیت دارد. برای این پذیرش، می‌توان دو مبنا در نظر گرفت. روش بهتر این است که صحت این گزارش‌ها را با شواهد خارجی بیاماییم؛ مانند گزارش‌های هم‌عصران دیگر - که اگر باهم در نظر گرفته شوند، موجب برطرف کردن پیش‌داوری فردی و نواقصی می‌شود که در کار هر نویسنده به‌طور خاص وجود دارد - و حتی از این بهتر، آنها را با آثار غیرمکتوب برجای‌مانده از دوره محل بحث بسنجیم. اما در صورت نبود چنین شواهدی، راه دیگر این است که ببینیم دیگران چه چیزی را واقعیت می‌انگارند. با خواندن آثار همکاران، دیر یا زود چیزی شبیه اجماع حاصل می‌شود. اما چنین رویکردی در دسرفرین خواهد بود؛ زیرا ممکن است بر این اساس، برج‌هایی سر به فلک کشیده، بر مبانی‌ای ساخته شوند که در اصل تثبیت نشده‌اند.<sup>۳</sup>

ج) عمل نوشتن «آنچه واقعاً روی داده است» به تحریف واقعیت می‌انجامد. بدین‌سان که هرگونه کاهش «آنچه واقعاً روی داده است» به مجموعه‌ای از کلمات و سپس تحمیل نظم خاص بر آن - که ممکن است خود حادثه توصیف شده فاقد آن باشد - منجر به تحریف می‌شود.<sup>۴</sup>

در نقد کرون، باید گفت: آر. ج. اونز در انتقاد به پست‌مدرن‌ها در کتاب *دفاع از تاریخ* (۱۹۹۷)، با طرح این موضوع می‌گفت: اگر همه تاریخ را مورخان ساخته‌اند و اگر هیچ متنی بر دیگری مزیتی ندارد، پس همان را می‌توان برای کار همه پست‌مدرن‌ها بیان کرد. آنچه بیشتر می‌توان گفت این است که چون فلسفه تاریخ پست‌مدرنیسم نوشته شده است، پس آن هم می‌تواند «نقل» باشد و با توجه به یکنواختی نوشته‌های مورخان پست‌مدرن، آنها هم متهم به سرهم‌بندی کردن دنیای مورخان و ساختن یک الگو از آنها در شکل‌هایی شدند، درحالی‌که آن‌گونه نیستند.

## ۱. Historicity.

۲. جی کرون و وای.دی. نوو، «رویکردهای روش‌شناختی در غرب به مطالعات اسلامی»، ص ۲۹-۳۰.

۳. همان.

۴. همان.

شاید کوبنده‌ترین انتقاد، اظهارنظرهای *رافائل ساموئل* باشد که می‌گفت: تلاش‌های *ژاک دریدا* تمام اندیشه‌های «پست‌ارسطویی‌ها» را تا زمان اندیشه‌های خودش زیرسؤال می‌برد.<sup>۱</sup>

در این رویکرد، به‌جای تحقیق دربارهٔ فهم نص و متن، از نظریات و تخیلات بحث می‌شود. این نظریات برتر از متن قرار می‌گیرد و متن زیر فشار این نظریات منکوب می‌شود. دیگر از متن چیزی باقی نمی‌ماند. این نگاهی جذاب و برانگیزنده، اما به‌واقع فتنه‌انگیز است؛ محقق را به این تخیل می‌اندازد که گویا دارای شناخت و آگاهی است.<sup>۲</sup>

آنچه *کرون* مطرح کرده یکی از شبهه‌هایی است که دربارهٔ عینیت تاریخ مطرح شده است؛ اینکه در هر شناختی، مادهٔ آن یک‌بار از ذهن انسان می‌گذرد، ولی گزاره‌های تاریخی بیش از آن از صافی «ذهن» انسان می‌گذرد؛ یعنی یک‌بار از ذهن شاهد و بار دیگر از ذهن مورخ. همین امر موجب ذهن‌گرایی اجتناب‌ناپذیر تاریخ خواهد شد.<sup>۳</sup> اما دانش تاریخی مشخصاً متمایز از قصه یا تبلیغات است و برای پیدا کردن درک و بینش تاریخی، چارچوب مفهومی و روش‌شناسی خاصی لازم است؛ نسبی‌گرایی بی‌حد و حصر مردود است، هرچند اتکالی ساده‌انگارانه به واقعیات نیز وجهی ندارد. این مورخان می‌اندیشند باید گزارش‌های تاریخی را تحلیل کرد و برای مشخص کردن و طبقه‌بندی گزارش‌های جانب‌دارانه و مقایسهٔ آنها معیارهایی مشخص نمود. در مجموع، می‌توان تصور کرد که مورخان دروازه‌بانان یا راهنمایان سفر به سوی گذشته‌اند. برخی نیز بر این عقیده‌اند که به هر حال، هیچ وقایع‌نگاری نمی‌تواند همهٔ رویدادها را ثبت کند، بلکه به‌گزینش رویدادهای مهم می‌پردازد. گزینش مورخ تا حدی تابع تمایلات فردی اوست؛ اما بر روی هم از سنت‌ها و منافع اجتماعی سرچشمه می‌شود. در اشتباه خواهیم بود اگر توقع داشته باشیم که تاریخ کاملاً از تعصب مبرا باشد. نویسنده چاره‌ای جز این ندارد که تحت تأثیر منافع و پیش‌داوری‌های جامعه، طبقه یا کلیسایی باشد که بدان متعلق است، باشد.<sup>۴</sup>

فقدان یا محدودیت عینیت در تاریخ، بسته به اینکه از منظر مورخانی که در عهد حدوث وقایع می‌زیسته‌اند و - مثلاً - در نتیجهٔ ملاحظه‌کاری، مصلحت‌جویی یا منفعت‌طلبی وقایع را جانب‌دارانه گزارش کرده‌اند یا از منظر مورخان زمان حال که به یک دورهٔ تاریخی می‌پردازند و در نتیجهٔ منافع و مصالح و گرایش‌ها، به درک غیرواقعی از حوادث گذشته نایل می‌شوند، می‌تواند متفاوت جلوه کند. در نمونهٔ اول، در صورتی که داده‌های همهٔ منابع دست اول در خصوص یک واقعه یکسان باشد، اگر مورخان عهد حدوثِ وقایع را به جانب‌داری متهم کنیم دچار شک فلسفی شده‌ایم و این بازدارنده است؛ زیرا برای شناخت تاریخی راهی جز اتکا به گزارش‌ها و آثار موجود نداریم. در نمونهٔ

۱. جرمی بلک و دونالد م. ک. رابلد، مطالعهٔ تاریخ، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۲. «قرآن پژوهی در غرب»، در گفت‌وگو با خانم انگلیکا نُپورت، ص ۲۴-۲۵.

۳. جواد سلیمانی، فلسفهٔ تاریخ، ص ۹۵.

۴. چایلد گوردن، تاریخ؛ نظریه‌هایی در تاریخ‌گرایی، ص ۳۲.

دوم، شک کردن به معنای دستوری و روش‌شناسی آن کاملاً جایز است، اما با در نظر داشتن این موضوع که مطالعه جزء به جزء وقایع راه را برای پیش‌دوری و شناخت همراه با گرایش واقعیت‌ها می‌بندد، در صورتی که بنای کار مورخان و مطالعه موضوع به صورت روش‌شناسانه باشد، مورخان مختلف می‌توانند در خصوص واقعیت داشتن سلسله وقایع مربوط به هریک از اجزای موضوع به اجماع برسند.<sup>۱</sup>

## نتیجه‌گیری

نتایج کرون در مبحث «تجارت مکه» به خاطر روش‌شناسی خاص وی در پژوهش‌های صدر اسلام است. کرون روایات اسلامی را بر ساخته مسلمانان دوره‌های متأخر و هدف کلی آنها را بسط تاریخ نجات عربی بیان کرده است. وی در وهله اول، دستیابی به اطلاعات تاریخی را با کمک شواهد مادی، یعنی کتیبه‌شناسی، سکه‌شناسی و به‌ویژه باستان‌شناسی، و در وهله بعد، متون غیراسلامی امکان‌پذیر می‌داند.

در نقد نظر وی، باید گفت:

۱. این استدلال کرون که فقدان شواهد خارجی برای یک گزارش در منابع اسلامی، گزارش این منابع را بی‌اعتبار می‌کند، به «استدلال سکوت» بازمی‌گردد. «استدلال سکوت» در منطق قیاسی، ذیل «مغالطات» طبقه‌بندی می‌شود. باید گفت: فقدان شواهد خارجی، منابع اسلامی را بی‌اعتبار نساخته است و پیامد مهمی به دنبال ندارد؛ زیرا منابع اسلامی نیازی به تأیید آنها ندارد.

۲. هدف کلی روایات، بسط تاریخ نجات عربی نیست؛ زیرا امکان توطئه‌ای بدین بزرگی در سنت اسلامی وجود ندارد. توطئه همه عالمان مسلمان از هند تا اندلس برای پنهان کردن سیر واقعی حوادث امکان‌پذیر نیست. نکته اینجاست که اگر یک تفسیر یا رأی خاص غلبه یابد، قطعاً مخالفانی هم دارد و ممکن نیست سنت به‌گونه‌ای سامان یابد که همه دیدگاه‌های مخالف سرکوب شوند.

۳. کرون روایات تفسیری را به خاطر تفاوت در روایات، ساخته مفسران دانسته و داستان‌های تاریخی را به سبب تعارض در روایات، روایت‌های مختلف درباره یک موضوع واحد و زیادت در روایت ساخته راویان داستان‌ها می‌داند. در صورتی که با روش نقد درونی و بیرونی می‌توان از میان داده‌های تاریخی، از جمله روایات مختلف، روایات متعارض، روایات مختلف درباره یک موضوع واحد و زیادت در روایات به «شواهد تاریخی» رسید. اوری روبین این ادعای کرون مبنی بر عدم ارزش تاریخی روایات تفسیری را به صورت موردی با بررسی روایات تفسیری آیه ۱۹۸ سوره بقره رد کرده و نشان داده که گرچه دیدگاه‌های تفسیری‌شان متفاوت است، اما اطلاعات تاریخی نهفته در آنها یکسان است.

۴. کسی که تنها منابع اسلامی باقی مانده را رد کند خود را به تصورات شخصی وهمی محدود خواهد کرد. به طور خلاصه، کرون قسمت عمده‌ای از منابعی را که مطابق تصوراتش از تاریخ صدر اسلام نبوده، رد کرده و به جای آن، حقایق جدیدی ساخته است. بنابراین موضع این محقق نتایج نهایی پژوهش‌های او را تعیین می‌کند و غالباً در استدلال‌هایش موجب «دور» می‌شود.

۵. کرون توجه ندارد که در استفاده از شواهد مادی، مشکلاتی وجود دارد: نخست، آنچه کشف شده تنها قسمتی از کل است. دوم، هیچ ارتباط علی و معلولی از قبل آماده‌ای - در پیوند این شواهد مادی - وجود ندارد. سوم، یافته‌های اخیر کتیبه‌شناسی، پاپیروس‌پژوهی و سکه‌شناسی نه تنها نتایج کرون را تأیید نمی‌کنند، بلکه آنها را مردود می‌سازد.

۶. متون قرون میانه نسبت به اسلام تصویری تحریف‌شده ارائه کرده‌اند. بنابراین، چطور منابع سریانی و مانند آن با وجود دشمنی‌شان با اسلام، قابل اعتمادتر از منابع اسلامی به حساب آیند؟ از سوی دیگر، بیشتر تواریخ غیراسلامی، که اطلاعات فراوانی درباره خاستگاه اسلام دربردارند، نه معاصر با وقایع هستند و نه در آنچه می‌گویند، انسجام دارند. در نهایت، باید گفت: شواهد مادی و متون غیراسلامی مکمل منابع اسلامی‌اند. روش‌شناسی کرون از خاستگاه فلسفه تاریخ وی متأثر است و این پست‌مدرنیسم است که در کرون تأثیر فراوانی داشته است. آنچه کرون مطرح کرده است یکی از شبهه‌هایی است که در خصوص عینیت تاریخ مطرح شده است. در صورتی که داده‌های همه منابع دست اول در خصوص یک واقعه یکسان باشد، اگر مورخان عهد حدوث وقایع را به جانب‌داری متهم کنیم، دچار شک فلسفی شده‌ایم و این بازدارنده است. شک کردن به معنای دستوری و روش‌شناسی آن کاملاً جایز است. در صورتی که بنای کار مورخان مطالعه موضوع به صورت روش‌شناسانه باشد، مورخان مختلف می‌توانند در خصوص واقعیت داشتن سلسله وقایع مربوط به هریک از اجزای موضوع به اجماع برسند.



## منابع

- استنفورد، مایکل، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
- امین، حسین، «مطالعات فی کتب، کتاب الهاجریه»، *المورخ العربی*، ۱۹۸۰م، ش ۱۵، ص ۲۲۲-۲۲۶.
- آقایی، سیدعلی، «مروری بر رهیافت‌های محققان غربی»، *آینه پژوهش*، ۱۳۹۱، ش ۱۳۷ و ۱۳۸، ص ۱۹-۲۹.
- آینه‌وند، صادق، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، چ دوم، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
- بلک جرمی و رایلد دونالد م.ک، *مطالعه تاریخ*، ترجمه محمدتقی ایمان‌پور، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۰.
- پستر، مارک، «نوع جدیدی از تاریخ، میشل فوکو، نظریه عدم استمرار»، در: حسینعلی نوزری، *فلسفه تاریخ*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.
- جنکینز، کیت، *بازاندیشی تاریخ*، ترجمه ساغر صادقیان، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴.
- رضوی، سیدابوالفضل، *فلسفه انتقادی تاریخ*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
- ریبین، اندرو، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره در روش‌شناسی جان ونزبر»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، *پژوهش‌های قرآنی*، ۱۳۷۹، ش ۲۳ و ۲۴، ص ۲۱۷-۱۹۰.
- سحاب، فکتور، *ایلاف قریش، رحله الشتاء والصفی*، بیروت، کومبیشنر و مرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۲م.
- سلیمانی، جواد، *فلسفه تاریخ*، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، ۱۳۹۲.
- «قرآن پژوهی در غرب در گفت‌وگو با خانم آنجلسکا نیویوت»، *هفت آسمان*، ۱۳۸۶، ش ۳۴، ص ۱۷-۳۴.
- کورن جی و وای. دی. نوو، «رویکردهای روش شناختی در غرب به مطالعات اسلامی»، ترجمه سیدرحیم راستی‌تبار، *پژوهش و حوزه*، ۱۳۸۶، ش ۳۰ و ۳۱، ص ۲۵-۵۳.
- کهن، لارنس، *از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*، چ پنجم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
- گوردن، چایلد، *تاریخ؛ نظریه‌هایی در تاریخ‌گرایی*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، مازیار، ۱۳۵۴.
- ملائی توانی، علیرضا، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، چ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- Berg, Herbert, *the development of exegesis in early islam: the authenticity of muslim literature from the formative period*, Curzon Studies in the Qur'an. Richmond, Surrey: Curzon, 2000.
- Crone, P., "Methodes et Debat Serjeant and Meccan Trade", *Arabica*, 1992, T. 39, Fasc. 2, 216-240.
- Crone, P., *Meccan Trade and the Rise of Islam*, Princeton, Princeton University Press, 1987.
- Donner, Fred, "[review of] slaves on horses. The evolution of the islamic polity by patricia crone", *journal of the american oriental society*, V. 102, N. 2, p. 367-371, 1982.
- Donner, Fred, *Narratives of islamic Origins*, V. 14, Princeton, Darwin Press, 1998.
- Ferrara, Christine, "Patricia Crone 1945-2015", [www.ias.edu/news/patricia-crone-obituary](http://www.ias.edu/news/patricia-crone-obituary), 2015.
- Hoyland, Robert, *Seeing islam as others saw it: a survey and evaluation of christian, jewish, and zoroastrian writings on early islam*, Princeton, Darwin Press, 1997.
- Hoyland, Robert, "the earliest christian writings on muhammad: an appraisal", in *The Biography of Muhammad: The Issue of the Sources*, ed. by H. Motzki, Leiden, E.J. Brill, 2000.
- Hugh, kennedy, "meccan trade and the rise of islam by patricia crone", *middle east studies association bulletin*, V. 22, N. 1, p. 54-55, 1998.
- Morony, michael g., "Hagarism: The Making Of The Islamic World By Patricia Crone; Michael Cook", *Journal Of Near Eastern Studies*, V. 41, N. 2, p. 157-159, 1982.
- Motzki, H, "Dating Muslim traditions: A survey", *Arabica*, V. 52, N. 2, p. 204-253, 2005.

- Petry Carl F., "Meccan Trade and the Rise of Islam by Patricia Crone", *The American Historical Review*, V. 94, N. 1, p. 188-189, 1989.
- Robinson Chase F., "Crone and the end of Orientalism", in *Islamic Cultures, Islamic Contexts; Essays in honor of Professor Patricia Crone*, ed. by Behnam Sadeghi, Asad Ahmad, Adam Silverstein, Robert Hoyland, Brill, 2015.
- Rubin Uri, "Meccan Trade and Qur'ānic Exegesis (Qur'ān 2: 198)", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, V. 53, N. 3, p. 421-428, 1990.
- Schick Robert, "Meccan Trade and the Rise of Islam. by Patricia Crone", *Speculum*, V. 66, N. 1, p. 137-139, 1991.
- Serjeant, R. B., "Haram and Hawtah, the sacred Enclave in Arabia", *melanges Tabā Husan*, ed. by A.R. Badawi, Cairo, 1962.
- Serjeant, R. B., "Hud and Other Pre-Islamic Prophets of Hadramawt", *Le Museon*, V. 67, p.121-179, 1954.
- Serjeant, R. B., "Meccan Trade and the Rise of Islam: Misconceptions and Flawed Polemics", *Journal of the American Oriental Society*, V. 110, N. 3, p. 472-486, 1990.
- Serjeant, R. B., *The Saiyids of Hatramawt*, London, 1957.
- Shoeler, Gregor, *the biography of muhammad: nature and authenticity*, trans. by uwe vagelpohi, ed. by james e.montgomery, London, routledge, 2011.